هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الکبریآء

این ایّامیست که قلم و لسان جز بذکر شهدا ساکن نه و دوست نداشته و ندارد بذکری مشغول شود مگر بذکر نفوسیکه در انجمن عالم در سبیل اسم اعظم جان و روان و جسم و جسد و مال و منال و اهل جمیعرا بکمال تسلیم و رضا انفاق نمودند انّ السّمآء تبکی و الغمام ینوح و الجبال تصیح و القلوب تفور یا لیت کنت معهم و فزت بما فازوا قسم بآفتاب افق بیان که در امکان چنین مصیبتی ظاهر نگشته و بچنین فضل احدی فائز نشده سوّد اللّه وجوه الّذین کفروا و اعرضوا و قاموا و ذبحوا الّذین ناح فی مصیبتهم سیّد الأنبیآء فی الجنّة العلیا و النّقطة الأولی عند سدرة المنتهی صدهزار حسرت و افسوس که این فانی بچنین فیض اعظم فائز نشد قسم بجمال قدم که این حسرت در دل مانده از قلم اعلی در بارهٴ آن نفوس مقدّسه کلماتی ثبت شده که نورش بدوام ملک و ملکوت باقی خواهد ماند تاللّه قد احترقت اکباد اهل الفردوس بما نزّل فی هذه المصیبة الکبری من قلم اللّه مقصودنا و مقصودکم و مقصود من فی السّموات و الأرضین در هر حین صدهزار بار اینخادم دوست داشته که بکلمهٴ یا لیتنی کنت معهم ناطق گردد تعالی من خلقهم و تعالی من عرّفهم و رفعهم و عزّزهم مشاهده کنید و تفکّر نمائید که نورین نیّرین و نفسین زکیّتین قبل از ورود به زوراء ذکری از ایشان در مدن و دیار نبوده و بعد از آنکه بطراز ایمان فائز شدند و بلقای رحمن مشرّف آمدند حقّ جلّ جلاله ایشان را بقدرت کاملهٴ خود بردای عزّت و رفعت مفتخر نمود چنانچه شنیدید و دیدید محلّشانرا مأوای مخلصین قرار فرمود و خودشانرا ملاذ واردین و بعد چون از قبل از حقّ جلّ جلاله آمل شدند که بشهادة کبری در سبیل مالک اسماء فائز شوند لذا در آخر عمر فائز شدند بمقامیکه واللّه الّذی لا اله الّا هو کلّ مرسلین و مخلصین و مقرّبین طالب و آمل آنمقام بوده و هستند

 ای برادر کلّ فضل در ید محبوب حقیقی است هر کس را بخواهد به ما هو المقصود فائز میفرماید لیس لأحد ان یعترض او یقول لم او بم انّه لهو المختار المقتدر القدیر و از قلم اعلی در این مصیبت کبری نازل شده آنچه که معادله نمینماید بحرفی از آن آنچه در زمین مشهود است و آنچه در آسمان ظاهر و مستور است گاهی این عبد تفکّر در مصیبات واردهٴ بر آن نفوس مقدّسه مینماید میخواهد بصیحه و نوحه و ندبه مشغول شود و گاهی بفضلیکه شامل حال ایشان شده نظر میکند به یا لیتنی کنت معهم ناطق میگردد و بفرح لایحصی خود را مشاهده مینماید طوبی لهم ثمّ طوبی لهم حال تفکّر نمائید از برای هر نفسی در هر صورت موت مقرّر و ثبت است و البتّه جان در سبیل رحمن مابین ملأ امکان صعود نماید صدهزار بار افضل است از موتیکه بر فراش واقع شود چه فائده که اکثری از ناس از اینمقام بلند اعلی غافلند یسأل الخادم ربّه المقتدر العلیّ الأبهی بأن یقدّر لکلّ نفس ما یقرّبه الیه و یعرّفه اسرار حکمته فیما ظهر و یظهر انّه لهو الفرد الواحد المبیّن العلیم الحکیم

 ایدوست مهربان دو مکتوب از شما رسید اوّل و ثانی هر دو از دار الأحباب یعنی ارض قاف ارسال شده بود مکتوب اوّل مزیّن بود بذکر الهی و خدمت امرش و سلامتی آنجناب و جناب امین علیه بهآء اللّه و هم‌چنین مکتوب ثانی الحمد للّه که آنجناب بخدمت امر فائز شده و بکمال صدق و صفا و امانت مابین خلق ظاهر گشته هر نفسی الیوم بصفات مرضیّه ظاهر شود او مبلّغ امر است چه که افعال پسندیده و اخلاق و صفات شایسته بنفسها مروّج امر محبوب عالمست چنانچه این معنی از قلم اعلی بعبارات شتّی در الواح نازلشده طوبی للعاملین و نعیماً للفائزین اینخادم فانی از قبل آنجناب و جناب امین علیک و علیه بهآء اللّه در کلّ حین شکر مینماید و فی‌الحقیقه مقام شکر و حمد است چه که هر نفسی مؤیّد نشده بآنچه شما مؤیّد شده‌اید انّ الخادم یحمد اللّه بذلک و یقول بلسانکم انّ الحمد لک یا مقصود العالمین و الشّکر لک یا محبوب العارفین و فی هذا المقام یقول لسان ظاهری و باطنی الحمد للّه ربّ العالمین و بعد از اطّلاع این عبد بآنچه در مکتوب آنجناب بود بمقام اقدس انور ابهی توجّه نمود تلقاء وجه جمیع آنچه ذکر نموده بودید معروض داشت فرمودند انشآءاللّه لم‌یزل و لایزال در ظلّ رحمت الهی ساکن باشند و بخدمتش مشغول و فرمودند ایخادم از حقّ بخواه تا ایشانرا بر خدمت خود مستقیم فرماید و در جمیع اوان و احیان بطراز امانت مزیّن دارد و این خلعت اعزّ ابهی را از ایشان منع ننماید انّه لهو المقتدر القدیر انتهی

 و اینکه در بارهٴ نفسین مقبلین در ارض قاف و میم نوشته بودید بساحت اقدس عرض شد هذا ما انزله الرّحمن من ملکوت البیان یا اباالحسن انّا سمعنا ندائک و ما کتبت فی النّفسین طوبی لک و لهما من لدی اللّه الفرد الواحد المجزی الحکیم انّا سمعنا ندائهما و رأینا ما عملا فی سبیل اللّه ربّ العالمین و قبلنا ما اظهر منهما فی سبیله المستقیم

 انّا نذکر محمّد قبل حسین الّذی فاز بعرفان اللّه فی یوم فیه اضطربت افئدة العارفین ان یا حسین ان افرح بما ذکرت لدی العرش و نزّل لک من ملکوت عنایة ربّک ما تقرّ به عیون النّاظرین قد قبل المقصود ما عملته فی سبیله انّه لهو المختار العزیز البدیع

 و نذکر من سمّی بمحمّد قبل رضا و نبشّره بهذا الذّکر المبین الّذی به ماجت البحار و هاجت الأریاح و تضوّعت رائحة القمیص بین السّموات و الأرضین ان افرح بذکری و بشّر نفسک بهذا الکتاب الکریم انّا قبلنا ما ظهر منک فی ایّام اللّه انّه یجزیکما احسن الجزآء انّه لهو المقتدر القدیر انتهی

 و اینکه نوشته بودید که بآن نفوس ذکر شده بود که حقوق اللّه را بهر نفسی نمیتوان داد اینکلمه حقّ بوده باید حقوق اللّه نزد نفوس امینه جمع شود و بعد بید امنای الهی بساحت اقدس ارسال گردد و آنچه بحضرت آقا جمال علیه بهآء اللّه و شما رسیده لدی الحقّ مقبولست و هم‌چنین بامّ حرم علیها بهآء اللّه از حقّ میطلبیم جمیع احباب را بطراز دیانت و امانت فائز فرماید در این سنه نظر ببعضی امورات وارده در ارض سجن از سماء مشیّت الهی در ذکر انقطاع و امانت و امثال آن آیاتی نازل که اگر بر جبال عرض شود تخضع لأمر اللّه عجبست که بعضی قدر و مقام امانت را ندانسته‌اند و مراعات شأن خود ننموده‌اند خود که شأنی ندارند ولکن شأن اللّه را بین عباد تغییر دادند انشآءاللّه امیدواریم از بعد بآنچه از ایشان فوت شده قیام نمایند و تدارک اعمال کنند باید در جمیع احوال بافق عنایت غنیّ متعال ناظر باشند و بخدمت امر مشغول

 و آنچه در فقرهٴ ارض ه و م در بارهٴ جناب آقا محمّد باقر علیه بهآء اللّه نوشته بودید بساحت اقدس عرض شد و بطراز قبول فائز ایشان فی‌الحقیقه بخدمت امر قیام نموده‌اند اسأله تعالی بأن یؤیّده فیکلّ الأحوال و یرفعه بالحقّ انّه لهو المقتدر القدیر

 و هم‌چنین در بارهٴ جناب آقا محمّد حسن علیه بهآء اللّه ذکر نموده بودند فرمودند طوبی له بما فاز بما انزله اللّه فی الکتاب الحمد للّه از نفوس مطمئنّهٴ طیّبه در آن ارض نفحات محبّت محبوب عالمیان متضوّعست انشآءاللّه کل بافق اعلی فائز شوند و بذکر و ثنای حقّ ناطق قل

 سبحانک یا اله الغیب و الشّهود و مالک الوجود اسألک بالموعود الّذی استوی علی عرش عظمتک و قام مقام نفسک بأن تؤیّد العباد علی الاقبال الی بحر علمک الّذی ماج باسمک و سلطانک و طهّر یا الهی قلوبهم من الظّنون و الأوهام فیهذا الیوم الّذی فیه اشرقت شمس الیقین من افق الاقتدار ایربّ نحن فقرآء ببابک و عجزآء عند ظهورات قدرتک اسألک یا مالک الامکان باسمک الرّحمن بأن تقرّب الغافلین الی افق ظهورک و توصّلهم ولو بالسّلاسل و الأغلال الی شطر مواهبک ایربّ هم غفلوا عن ایّامک بما اتّبعوا مطالع الظّنون الّذین کفروا بآیاتک وعزّتک لو تکشف الغطآء عن وجههم یسرعون الی مقرّک و یصیحون فی العرآء فی فراقک ثمّ انزل یا الهی علی احبّتک ما یطمئنّ به قلوبهم و یقرّ به عیونهم و ینشرح به صدورهم انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الّا انت القادر المهیمن العلیم الحکیم انتهی

 نسأل اللّه بأن یوفّقک و جناب الأمین علی ما یرتفع به امر اللّه و ذکره انّه لهو المقتدر القدیر البتّه اخبار خود و جناب امین علیه بهآء اللّه بفرستید جمیع احبّای آن ارض یعنی نفوسیکه از ما سوی اللّه منقطعند و فی اللّه ناطق و باللّه متمسّک و الی اللّه راجع و فی سبیل اللّه سالک از جانب اینفانی تکبیر برسانید و بگوئید هذا یوم الخدمة و الذّکر و الثّنآء طوبی لأهل البهآء و الرّوح و البهآء علیک و علیهم و علی من فاز بالمقام الأعلی

خ‌ادم

فی ۵ رمضان سنة ۱۲۹۶

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر